

تاریخ پوشیده آیت چهل — عدد بیست

دومین وای — بخش هفتم — حزقیال

Jeff Pippenger

2026-07-29

یہ ایک قابل قبول بائبل فہم ہے کہ نبی حزقی ایل کو اپنی ابتدائی آیات میں تیس برس کا سمجھا جائے۔

پس چنین واقع شد کہ در سال سیام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که من در میان اسیران نزد نهر کبار بودم، آسمان ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. در روز پنجم ماه، که سال پنجم اسارت یهوایقین پادشاه بود، کلام خداوند صریحاً بر حزقیال کاهن، پسر بوزی، در سرزمین کلدانیان نزد نهر کبار نازل شد؛ و دست خداوند در آنجا بر او بود. حزقیال ۱:۱-۳.

برخی بر این باورند که «سال سیام» بر پایه یک چرخه معین یوبیل استوار است؛ چرخه ای که با پادشاه یوشیا آغاز شد و با آیه نخست باب چهل به پایان رسید.

.En el año veinticinco de nuestro cautiverio, al comienzo del año, a los diez días del mes, catorce años después de que la ciudad fue herida, en aquel mismo día vino sobre mí la mano del Señor, y me llevó allá. Ezequiel 40:1

گاه شناسان کتاب مقدسی آیه نخست فصل چهل را یا ۲۸ آوریل یا ۲۲ اکتبر ۵۷۳ پیش از میلاد تاریخ گذاری می کنند. همه انبیا ايام آخر را مشخص می سازند؛ از این رو، تاریخ پاییزی ۲۲ اکتبر ۵۷۳ پیش از میلاد، تاریخ امگای خطی است که پنجاه سال پیش تر، در آنچه «فصح عظیم یوشیا» خوانده می شود، در ۵ مه ۶۲۲ پیش از میلاد آغاز شد.

شماره سی نماد کاهنانی است که می بایست هنگام آغاز خدمت، سی ساله باشند. خواه آیات یک تا سه حزقیال باب یک، سن حزقیال را سی سال معرفی کند، و خواه صرفاً او را به عنوان نماد یک کاهن بنمایند، در هر حال او نیز به صورت سی ساله نمایانده می شد. اگر سی سال مذکور در آیه یک، چنان که برخی بر این باورند، نشان دهنده سال سیام از زمان عید فصح عظیم یوشیا در 622 ق.م. باشد، دلالت های نبوی همچنان همان است.

Յոսիան նշանակում է «հիմք», և նրա Մեծ Հատիկը սկսեց հորեյանական մի շրջան, որն ավարտվեց հոկտեմբերի 22-ին՝ Քավուրյան Օրը, մ.թ.ա. 573 թվականին: «Հորեյանական գիծը» Յոսիայից մինչև հոկտեմբերի 22, համընկնում է 1840-ից 1844 թվականների պատմության հետ: 1840 թվականի հիմքերը ներկայացված էին Հովսիա արքայով, ինչպես նաև Յոսիա Լիչով: Հոկտեմբերի 22-ը ներկայացված էր հորեյանական փողի եղջյուրի հնչեցմամբ՝ Քավուրյան Օրվա եղջյուրի հետ միասին:

اور تو اپنے لیے سالوں کے سات سبت گننا، یعنی سات مرتبہ سات سال؛ اور سالوں کے ان سات سبتوں کی مدت تیرے لیے اُنتالیس برس ہوگی۔ پھر ساتویں مہینے کی دسویں تاریخ کو تو یوبیل کا نرسنگا بجوانا؛ یوم کفارہ میں تم اپنے تمام ملک میں نرسنگا بجاؤ۔ احبار 25:8، 9.

حزقی ئیل در خط یوبیل از پادشاه یوشیا تا ۲۲ اکتبر قرار دارد؛ خطی که نمایانگر فرشته اول و دوم مکاشفه ده، از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، است. حزقی ئیل نماینده می لری ها در فرشته اول و دوم، و نیز یکصد و چهل و چهار هزار فرشته سوم است. حزقی ئیل نماینده کھانت یکصد و چهل و چهار هزار است، اما

ویژگی اصلی نبوی او این است که او نبی است.

نبی، کاهن اور بادشاه

سه شخصیت کتاب مقدسی هستند که خدمت خود را در سن سی سالگی آغاز کردند. در کنار حزقیال، داود و یوسف نیز بودند. چون همگی خدمت خود را در سن سی سالگی آغاز کردند، همه آنان کاهن‌اند. داود نماد پادشاه است، یوسف کاهن است و حزقیال نبی در پادشاهی سه‌گانه جلال که از نبی، کاهن و پادشاه تشکیل شده است.

با این حال، هرگونه که نبی حزقیال را به عنوان نماد به کار بگیریم، او کاهن است؛ و هنگامی که در امتداد خط یوبیل از یوشیا تا ۲۲ اکتبر به کار برده شود، حزقیال کاهنی است که کاهنی را در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نمایندگی می‌کند؛ چنان‌که این امر به واسطه تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ و پادشاه یوشیا تا ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. به صورت نمونه پیش‌نماینده شده است.

بیست و دو

کتاب مقدس به روشنی بیان می‌کند که حزقیال به مدت بیست و دو سال خدمت کرد. «بیست و دو» نمادی است از صد و چهل و چهار هزار تن که نشان الوهیت متحد با انسانیت‌اند. در تاریخی که از فصیح یوشیا تا جشن یوبیل ۲۲ اکتبر باب چهل نمایانده شده است، فصیح یوشیا مظهر کار یوشیا لیچ در سال‌های ۱۸۳۸ و ۱۸۴۰ بود. آن کار عبارت بود از ارائه نبوت‌های زمانی وای اول و وای دوم. اکنون می‌توان دید که نبوت وای اول و وای دوم بسیار گسترده‌تر از آن است که پیشگامان تشخیص داده بودند.

حزقی ایل، به عنوان نبی‌ای کتاب مقدسی، در نوشته‌های خود تاریخ‌های مشخص‌تری را نسبت به هر نویسنده دیگر کتاب مقدس ذکر می‌کند.

حزقیال، امگای اصل «یک روز برابر با یک سال» در نبوت کتاب مقدس است. در کتاب اعداد، ذکر آلفای اصل روز-سال در نخستین شورش در قادش نمود می‌یابد؛ همان شورش که چهل سال سرگردانی در بیابان را پدید آورد. آخرین شورش، یا شورش امگا، در باب چهار حزقیال به تصویر کشیده می‌شود، آن‌گاه که اورشلیم ویران می‌گردد.

الفا

پس، به شمار روزهایی که آن سرزمین را جاسوسی کردید، یعنی چهل روز، برای هر روز یک سال، گناهان خویش را خواهید کشید، یعنی چهل سال؛ و نقض وعده مرا خواهید شناخت. من، یهوه، گفته‌ام که یقیناً این را بر تمامی این جماعت شریب که بر ضد من گرد آمده‌اند، واقع خواهم ساخت: در این بیابان هلاک خواهند شد و در همان‌جا خواهند مرد. اعداد ۱۴:۳۴، ۳۵

اومگا

تو نیز بر پهلوی چپ خود بخواب و گناه خاندان اسرائیل را بر آن بگذار؛ به شمار روزهایی که بر آن خواهی خفت، گناه ایشان را بر دوش خواهی کشید. زیرا من سال‌های گناه ایشان را بر تو نهاده‌ام، مطابق شمار روزها، سیصد و نود روز؛ پس گناه خاندان اسرائیل را بر دوش خواهی کشید. و چون این را به انجام رساندی، بار دیگر بر پهلوی راست خود بخواب، و گناه خاندان یهودا را چهل روز بر دوش خواهی کشید؛ من هر روز را برای یک سال برای تو مقرر داشته‌ام. پس روی خود را به سوی محاصره اورشلیم بگردان، و بازویت برهنه باشد، و بر ضد آن نبوت کن. حزقیال ۴:۴-۷

قادش اور یروشلم کی تباہی الفا اور اومیگا بغاوت کی نمائندگی کرتی ہیں، جو ایک دن کے بدلے ایک سال کے اصول کی نمائندہ ہیں۔ "ایک دن کے بدلے ایک سال کا اصول" ملیرائیٹوں کا بنیادی قاعدہ تھا، اور 1840 سے 1844 کی تاریخ میں بھی، جیسا کہ بادشاہ یوسیاہ کی یوبیل کی سطر سے 22 اکتوبر تک اس کی تمثیل پائی جاتی ہے۔ حزقی ایل کسی بھی دوسرے نبی سے زیادہ تاریخی پیش کرتا ہے۔ حزقی ایل کی تاریخ بندی کے اندر یوبیل کی سطر کی نشاندہی ہوتی ہے، جو حزقی ایل کی گواہی کو پہلے اور دوسرے فرشتے کی تاریخ کے ساتھ براہ راست مربوط کرتی ہے، اور اس کے بعد تیسرے فرشتے کی تاریخ کے ساتھ بھی۔

ہمراہ با «خط یوبیل»، حزقیال سیصد و نود روز بر یک پہلو می‌خواہد، سپس چهل روز بر پہلوی دیگر خود. «چهارصد و سی» نمادِ عہدہای کهن و نو است، زیرا وعده عہدی ابرام درباره چهارصد سال اسارت در مصر، شاهد دوم سی سال را با رسول پولس یافت. ابرام، (کہ بعدتر ابراہیم نامیدہ شد) از «قدیم»، و شائول، (کہ بعدتر پولس نامیدہ شد) از «جدید»، با ہم شہادت‌ہای خود را در ہم آمیختند تا چهارصد و سی سال را بہ عنوان نمادِ عہد جاودانی استوار سازند. «سیصد و نود روز» «باید بار گناہ خاندان اسرائیل را بر دوش کشی.» «و» «باید بار گناہ خاندان یہودا را چهل روز بر دوش کشی.» در مجموع، پہلوی راست و پہلوی چپ معادل ابرام و پولس است.

عہد ہموارہ بر اطاعت یا نافرمانی—حیات یا موت—استوار بودہ است. اصل سال-روز در تاریخ میلریتی، مسئلہای از جنس حیات یا موت بود، و این تاریخ بہ وسیلہٴ فرشتہٴ اول بہ عنوان انجیل جاودان اعلام شد. «انجیل» مسئلہای از جنس حیات یا موت است، و مسئلہٴ آزمونِ حیات یا موت در تاریخ میلریتی در چارچوب اصلِ برابری یک روز با یک سال قرار دادہ شدہ بود. پیشگوپی‌ای کہ پیام فرشتہٴ اول را نیرو بخشید، نبوتِ سیصد و نود و یک سال و پانزدہ روز وای دوم بود. در میانِ سیصد و نود روزی کہ حزقیال بر پہلوی چپ خود دراز کشید، تمثیلی از نبوتِ زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزدہ روز وای دوم وجود دارد. برای آنکہ نبوت بہ درستی تقسیم شود، بصیرتِ نبوی لازم است؛ اما این چیزی کمتر از کارِ مستمر شیر سبطِ یہودا در گشودنِ مہرِ پیامِ فریادِ نیمہ‌شب نیست.

من استدلال می‌کنم کہ حزقیال باید بہ عنوان نمادی از صد و چهل و چہار ہزار تن تلقی شود، اما در درجہٴ نخست بہ عنوان نمادی از عطیہٴ روح نبوت، خواہ بہ صورتِ ظہور یک نبی آخرالزمانی نمود یابد، یا بہ صورتِ ظہور قومِ عہد کہ اصلِ روش‌شناسی «حکم بر حکم» را درک می‌کنند.

من استدلال می‌کنم کہ روشنایی حزقیال بر نبوتِ سیصد و نود و یک سال و پانزدہ روز، با آن مردِ جاروب بہ دست کہ جواہرات را بہ درونِ صندوقچہٴ بزرگ‌تر می‌افکند، ہم‌راستا است.

من بر این باورم کہ نورِ برآمده از حزقیال، ہنگامی کہ ہیکل بہ کمال می‌رسد، عنصری اساسی از پیامِ سنگِ رأس است.

حزقیال در آیہٴ نخست از بابِ چہلم، در تاریخِ بیست و دوم اکتبر قرار دارد، و در همان‌جا رؤیای معبدِ آیندہ بہ حزقیال دادہ می‌شود. آن معبد، معبدِ یکصد و چہل و چہار ہزار است، کہ حزقیال نمادی از آن عدد می‌باشد. آن گروہ پیش از آنکہ بہ آزمون سوم و آزمون تعیین‌کنندہ برسند، از دو آزمون گذشتہ خواہند بود. حزقیال چنین ترسیم می‌شود کہ نور خود را در معبد دریافت می‌کند، و از این‌رو نوری کہ او بہ عنوان یک نمادِ پدید می‌آورد، نمایانگر نوری است کہ ہنگامی می‌آید کہ قومِ خدا، در ہماہنگی با باب دہم دانیال، بہ مکانِ اقدس وارد می‌شوند.

نورِ مکاشفہٴ یسوع مسیح، جو مہر شکستہٴ ہے، مہلتِ آزمائش کے اختتام سے عین پہلے مہر شکستہ کیا جاتا ہے۔

او به من گفت: «سخنان نبوت این کتاب را مَهر مکن، زیرا وقت نزدیک است. آن که ظالم است، بگذار همچنان ظلم کند؛ و آن که ناپاک است، بگذار همچنان ناپاک بماند؛ و آن که عادل است، بگذار همچنان عدالت ورزد؛ و آن که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند.» مکاشفه 22:10، 11

«زمان نزدیک است» درست پیش از بسته شدن زمان آزمون در آیه یازده، و از این رو مکاشفه عیسی مسیح در همان زمان گشوده می شود، زیرا «زمان نزدیک است».

وحی یسوع مسیح، که خدا آن را به او داد تا اموری را که باید به زودی واقع شوند، به بندگان خود نشان دهد؛ و آن را به واسطه فرشته خود به بنده خویش یوحنا فرستاد و اعلام کرد؛ همان که بر کلام خدا و بر شهادت یسوع مسیح و بر هر آنچه دیده بود، گواهی داد. خوشا به حال آن که می خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده است نگاه می دارند؛ زیرا وقت نزدیک است. مکاشفه ۱-۳

مهلت آزمایش برای ادونتیسیم لائودکیه ای روز هفتم در هنگام قانون یکشنبه بسته می شود، و ادونتیسیم در فصل نهم حزقیال به صورت اورشلیم نمایانده شده است. در آنجا کسانی که برای میکروهاات انجام شده در سرزمین و در کلیسا آه و ناله می کنند، مهر را دریافت می نمایند. این مهرگذاری زمانی روی می دهد که بادهای شرقی اسلام ملت ها را به خشم می آورند، درست پیش از آن که مهلت آزمایش بسته شود. در فصل هشتم حزقیال، چهار نسل ادونتیسیم به پایان می رسند، و نسل چهارم با آن بیست و پنج رهبر که در برابر خورشید تعظیم می کنند، نمادین شده است. آن رؤیا به گونه ای نمادین، یک روز پیش از قانون یکشنبه عطا شد؛ یا درست اندکی پیش از پایان مهلت آزمایش، چنان که با شش، شش، شش نشان داده شده است.

و در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، چون در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا پیش روی من نشسته بودند، واقع شد که دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه نگرستم، و اینک شبیهی چون منظر آتش: از منظر کمرگاهش به پایین، آتش؛ و از کمرگاهش به بالا، همچون منظر درخشش، مانند رنگ کهربا. و صورت دستی را دراز کرد و مرا از زلفی از سرم گرفت؛ و روح مرا در میان زمین و آسمان برافراشت و در رؤیاهای خدا به اورشلیم آورد، به در دروازه اندرونی که رو به شمال دارد؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت انگیز بود، که غیرت را برمی انگیزد. و اینک جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، مطابق رؤیایی که در هامون دیده بودم. حزقیال ۸-۴

رؤیای سال ششم، ماه ششم و روز پنجم، درست پیش از «666» آمد؛ نمادی از قانون یکشنبه، آنگاه که مهلت آزمون برای ادونتیسیم لائودیکیه به پایان می رسد. آن رؤیا «مطابق همان رؤیا» بود که حزقیال «در دشت» دید. رؤیایی که او در دشت دید، پیش تر، در باب سوم، آمده است.

پس برخاستم و به سوی دشت بیرون رفتم؛ و اینک جلال خداوند در آنجا ایستاده بود، همانند جلالی که نزد نهر خابور دیده بودم؛ و بر روی خود به زمین افتادم. حزقیال ۳:۲۳.

رؤیای «دشت»، که رؤیای سال ششم، ماه ششم و روز پنجم بود، همان رؤیایی بود که حزقیال پیش تر نزد نهر خابور دیده بود.

Y aconteció en el año treinta, en el mes cuarto, a los cinco días del mes, estando yo entre los cautivos junto al río Quebar, que los cielos se abrieron, y vi visiones de Dios. Ezequiel 1:1

«رؤیاهای خدا» که حزقیال کنار نهر خابور «دید»، همان رؤیای هامون بود، که همچنین رؤیای حزقیال باب‌های هشت تا یازده نیز می‌باشد. آن رؤیاها در زمینه‌ای ارائه شدند که حزقیال به درون قدس می‌نگریست؛ همان‌جا که رؤیای آینه‌سان «marah» در باب دهم تحقق می‌یابد. حزقیال نماینده کسانی است که از نور نبوی ساطع از قدس‌الاقداص بهره‌مند می‌شوند، آنگاه که مکاشفه عیسی مسیح درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش آشکار می‌گردد.

وقتی خط یوبیل پادشاه یوشیا را که با پسخ آغاز می‌شود و در ۲۲ اکتبر پایان می‌یابد، شناسایی می‌کنیم، در واقع نماد اعیاد بهاری و اعیاد پاییزی را، چنان‌که در لایوان بیست‌وسه بیان شده است، شناسایی می‌نماییم. در آنجا اعیاد بهاری و پاییزی هر یک در بیست‌ودو آیه مطرح شده‌اند، همان‌گونه که خدمت حزقیال بیست‌ودو سال بود. منطبق ساختن حزقیال با سال سی‌ام خط یوبیل این امکان را فراهم می‌آورد که تولد حزقیال با احیای یوشیا منطبق گردد. اگر او در سال سی‌ام چرخه یوبیل سی‌ساله بوده باشد، آنگاه حزقیال در هنگام اصلاحات یوشیا متولد شده است.

حزقیال نماد کسانی است که به واسطه ایمان به قدس‌الاقداص داخل می‌شوند. هنگامی که به آنجا می‌رسند، چرخ‌هایی را در میان چرخ‌ها می‌بینند که بیانگر کنش پیچیده تعاملات انسانی است. همان‌گونه که یوحنا در مکاشفه فصل دهم چنین است، حزقیال نماینده میلری‌هاست، اما به‌گونه‌ای مستقیم‌تر نماینده صد و چهل و چهار هزار نفر است. نبوت زمانی موازی او، یعنی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز، دآوری نهایی ادونتیسیم لائودیکیه را همراه با ویرانی اورشلیم به تصویر می‌کشد، و معمای سی و هشت و چهل را نیز در بر می‌گیرد.

به چار سو تیس برس کی علامت بهی اینی اندر شامل کرتاے.

این دوره چهار ساله‌ای را دربر می‌گیرد که با سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷، ۱۴۴۹ تا ۱۴۵۳ و ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ نشان داده شده است.

ما در مقاله بعدی بررسی‌های خود را درباره این موضوع بسیار مهم آغاز خواهیم کرد.

«در رؤیاهایی که به اشعیا، به حزقیال، و به یوحنا عطا شد، می‌بینیم که آسمان تا چه اندازه با رویدادهایی که بر زمین واقع می‌شوند پیوندی نزدیک دارد، و مراقبت خدا نسبت به کسانی که به او وفادارند تا چه حد عظیم است.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۷۵۳.

«مسیح خود خداوند هیکل بود. هنگامی که او آن را ترک می‌کرد، جلالش نیز از آن رخت برمی‌بست—همان جلالی که روزگاری در قدس‌الاقداص، بر فراز میسند رحمت، به‌گونه‌ای مرئی آشکار بود؛ جایی که کاهن اعظم تنها سالی یک‌بار، در روز بزرگ کفاره، با خون قربانی ذبح‌شده (که نمونه‌ای از خون پسر خدا بود که برای گناهان جهان ریخته شد) وارد می‌شد و آن را بر مذبح می‌پاشید. این همان شیکینه بود، سراپرده مرئی یهوه.»

«همین جلال بود که بر اشعیا مکشوف شد، آنگاه که می‌گوید: "در سالی که عزّیا پادشاه وفات یافت، خداوند را دیدم که بر کرسی‌ای بلند و افراشته نشسته بود، و دامن او هیکل را پر ساخته بود" [اشعیا ۶: ۸-۸ نقل شده است].» تفسیر کتاب مقدس ادونتیس‌های روز هفتم، جلد ۴، ۱۱۳۹.

«رؤیایی که به اشعیا عطا شد، نمایانگر وضعیت قوم خدا در ایام آخر است. ایشان این امتیاز را دارند که به‌وسیله ایمان، کاری را که در قدس آسمانی در جریان است مشاهده کنند. «و هیکل خدا در آسمان گشوده شد، و در هیکل او صندوق عهد او دیده شد.» هنگامی که ایشان به‌وسیله ایمان به قدس‌الاقداص می‌نگرند و کار مسیح را در قدس آسمانی مشاهده می‌کنند، درمی‌یابند که قومی با لب‌های ناپاک‌اند—قومی که لب‌هایشان بارها سخن باطل گفته است و استعدادهایشان تقدیس نشده و برای جلال خدا به کار گرفته نشده است. چه بجاست که چون ضعف و

بی‌استحقاقی خویش را با پاکی و دل‌انگیزی شخصیت جلال‌آمیز مسیح مقابله می‌کنند، نومید شوند. اما اگر ایشان، همچون اشعیا، تأثیری را که خداوند قصد دارد بر دل نهاده شود بپذیرند، اگر جان‌های خود را در حضور خدا فروتن سازند، برای ایشان امید هست. کمان وعده بر فراز تخت است، و آنچه برای اشعیا انجام شد، در ایشان نیز به انجام خواهد رسید. خدا به درخواست‌هایی که از دل شکسته‌نفس برمی‌خیزد، پاسخ خواهد داد.»

«مقصود این کار عظیم و موقر خدا آن است که بافه‌ها برای انبار آسمانی گرد آورده شوند؛ زیرا زمین از جلال خداوند پر خواهد شد. پس چون مردم شرارت غالب را می‌بینند و سخنانی را که از لب‌های ناپاک بیرون می‌آید می‌شنوند، هیچ‌کس هراسان نشود. هنگامی که قوای ظلمت خود را در برابر قوم خدا صف‌آرایی کنند؛ هنگامی که شیطان نیروهای خود را برای آخرین نبرد عظیم بسیج کند، و قدرت او بزرگ و نزدیک به طاقت‌فرسا به نظر رسد، مشاهده روشن جلال الهی، تخت بلند و برفراشته، که با کمان وعده قوس گرفته است، تسلی، اطمینان، و آرامش خواهد بخشید.» 22 Review and Herald، دسامبر 1896.

«بر کنارهای نهر خابور، حزقیال گردبادی را دید که گویی از شمال می‌آمد، "ابری عظیم، و آتشی که در خود می‌پیچید، و در پیرامون آن درخشندگی بود، و از میان آن چیزی چون رنگ کهربا." شماری چرخ، که در یکدیگر تداخل داشتند، به‌وسیله چهار موجود زنده به حرکت درمی‌آمدند. بسیار بر فراز همه اینها "شبهات تختی بود، مانند منظر سنگ یاقوت کبود؛ و بر شبهات تخت، چیزی به شبهات منظر انسانی بر فراز آن بود." و در کروی‌بان، زیر بالهایشان، صورت دست انسان ظاهر بود." حزقیال 1:4، 26؛ 10:8. ترتیب این چرخها چنان پیچیده بود که در نگاه نخست آشفته می‌نمود؛ اما در کمال هماهنگی حرکت می‌کردند. موجودات آسمانی، که به‌وسیله آن دست زیر بالهای کروی‌بان نگاه‌داشته و هدایت می‌شدند، این چرخها را به پیش می‌راندند؛ و بر فراز آنها، بر تخت یاقوت کبود، آن وجود ازل قرار داشت؛ و گرداگرد تخت، رنگین‌کمانی بود، نماد رحمت الهی.»

«چنان‌که پیچیدگی‌های همانند چرخ زیر هدایت دستی که در زیر بال‌های کروی‌بان بود قرار داشت، همچنین بازی پیچیده رویدادهای انسانی نیز تحت مهار الهی است. در میان ستیز و آشوب ملت‌ها، او که بر فراز کروی‌بان نشسته است، همچنان امور زمین را هدایت می‌کند.»

„narodów, które jeden po drugim zajmowały wyznaczony im czas i zamierzenia, miejsce, nieświadomie dając świadectwo prawdzie, której znaczenia same nie rozumiały, przemawia do nas. Każdemu narodowi i każdej jednostce współcześnie Bóg wyznaczył miejsce w swoim wielkim planie. Dziś ludzie i narody są mierzeni pionem w rękę Tego, który nie popełnia błędu. Wszyscy przez własny wybór rozstrzygają o swoim przeznaczeniu, a Bóg wszystkim kieruje, aby urzeczywistnić swoje zamierzenia,»

«تاریخی که آن «هستم» اعظم در کلام خویش ترسیم کرده است، با پیوستن حلقه پس از حلقه در زنجیره نبوت، از ازلیت گذشته تا ازلیت آینده، به ما می‌گوید که امروز در کاروان اعصار در کجا ایستاده‌ایم و در زمان آینده چه می‌توان انتظار داشت. هر آنچه نبوت تا زمان حاضر از وقوع آن خبر داده است، بر صفحات تاریخ نقش بسته است، و می‌توانیم یقین داشته باشیم که هر آنچه هنوز در پیش است نیز به ترتیب خود به انجام خواهد رسید.» Education, 178.